



بررسی نقش احتمالی شتر در انتقال انگل بالانتیدیوم کولای به انسان

جواد تاجیک^۱، امین پایدار اردکانی^{۲*}، سمانه انوشه^۳، الهه دهقانی تفتی^۴

۱- استادیار گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه شهید باهنر کرمان ۲- گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

پست الکترونیکی نویسنده مسؤل: amin_paidar@yahoo.com

مقدمه و هدف: بالانتیدیازیس (balantidiasis) یک بیماری انگلی زئونوز ناشی از تک یاخته ایی مژه دار به نام بالانتیدیوم کولای (balantidium.coli) است که متعاقب بلع کیست یا تروفوزوئیت انگل رخ می دهد. علائم بیماری در انسان شامل اسهال، کولیک شدید، بی اشتها، استفراغ و تهوع می باشد. ابتلا به بالانتیدیازیس می تواند سبب آپاندیسیت، سوراخ شدن کولون، عفونت مجاری ادراری، واژینیت، آبسه کبدی و عفونت ریوی در افراد مبتلا گردد. موارد متعدد بیماری در مناطق گرمسیری از جمله ایران مشاهده گردیده است. در اکثر نقاط دنیا خوک به عنوان مخزن انگل و عامل آلوده کننده انسان شناخته شده است. با توجه به عدم پرورش و نگهداری خوک در کشورهای اسلامی، از جمله ایران، مخزن انگل و عامل آلودگی انسان در این مناطق ناشناخته می باشد. با توجه به مشاهده مواردی از ابتلای شتر به بالانتیدیازیس در استان کرمان توسط نگارندگان، این دام می تواند به عنوان منبع احتمالی انگل فوق در کشور مطرح گردد.

مواد و روش کار: در شترهای دارای علائم بالینی شامل بی اشتها، افسردگی و اسهال، نمونه مدفوع از تمامی دام های گله اخذ گردید. با استفاده از روش شناورسازی اقدام به جداسازی، شناسایی و شمارش کیست و تروفوزوئیت انگل بالانتیدیوم کولای در تعدادی از دام های دارای نشانه های بالینی گردید.

نتایج و بحث: با توجه به نشانه های بالینی، مشاهده تروفوزوئیت و کیست انگل در مدفوع و پاسخ به درمان، ابتلای تعدادی از شترهای معاینه شده به بالانتیدیازیس تایید گردید. در مقاله حاضر، نقش شتر به عنوان منبع احتمالی انگل فوق در کشور، روشهای تشخیص و درمان دامهای مبتلا و نیز راههای احتمالی آلودگی دامها و انتقال بیماری به انسان بررسی گردیده است.

واژه های کلیدی: بالانتیدیوم کولای، شتر، انسان

بررسی آزمایشگاهی میزان مس در خون گوسفندان شهرستان سقز و بررسی اثر آنتاگونیستی عناصر موجود در خاک و گیاهان بر غلظت

مس در خون گوسفندان

حجت علیزاده ممقانی^{۱*}، سعدی امینی^۲، جوادچراغی^۳، کامبیز وثوقی^۴، هادی واتقی راد^۵

۱- آزمایشگاه تشخیص دامپزشکی رویانا - سقز - ایران ۲- آزمایشگاه تشخیص دامپزشکی رویانا - سقز - ایران

۳- استادیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه ایلام ۴- درمانگاه دامپزشکی - سقز - ایران ۵- آزمایشگاه خاک بهین آزما - تهران - ایران

پست الکترونیکی نویسنده مسؤل: Rooyanavetlab@yahoo.com

مقدمه و هدف: یکی از مهمترین میکرومیزانها در بدن مس می باشد. کمبود مس در مانگایی و تحت درمانگایی هر دو از لحاظ اقتصادی قابل توجه هستند. کمبود مس می تواند بصورت اولیه و ثانویه باشد. شواهد کلینیکی کمبود، نویسندگان این مقاله را برآن داشت تا میزان مس خون گوسفندان، خاک و گیاهان و میزان عناصر آنتاگونیست جذب مس مانند مولیبدن، آهن، گوگرد و سرب را در کاه و کلش و علوفه مرتعی در سطح شهرستان مورد ارزیابی قرار دهند.

مواد و روش کار: برای آزمایش، ۵ محدوده جغرافیائی شهرستان انتخاب و از هر محدوده جغرافیائی ۲۵ نمونه خون از رگ وداج گوسفندان در چهار فصل اخذ گردید. سرم نمونه ها از نظر مس توسط روش Colorimetric و کیت های زیست شیمی و Greiner با دستگاه اسپکتروفتومتر مورد آزمایش قرار گرفتند. در نمونه گیری از گوسفندانی استفاده شد که برای تغذیه از مکمل های معدنی استفاده نمی کردند. در ادامه از همان ۵ محدوده جغرافیائی نمونه خاک، نمونه کاه و کلش و نمونه علوفه مرتعی جهت ارزیابی میزان عنصر مس و ارزیابی عناصر آنتاگونیست جذب مس جهت حصول نتیجه اصلی اخذ گردید. سعی برآن شد که نمونه خاک قبل از اضافه نوع کود شیمیائی طبیعی و نمونه گیاهی نیز در زمان حداکثر رشد گیاه جمع آوری شود و برای قرائت میزان عناصر در خاک و گیاه از دستگاه جذب اتمیک استفاده شد.

نتایج و بحث: بررسی نتایج حاکی از آنست که میزان مس در خون گوسفندان ($52.46 \mu\text{g}/\text{dl}$) خیلی کمتر از حد نرمال ($70-130 \mu\text{g}/\text{dl}$) می باشد و میانگین مس در خاک منطقه (1.0528p.p.m) در اکثر موارد در حد نرمال (1p.p.m) می باشد و میزان مس در کاه، کلش و علوفه مرتعی (8.7p.p.m) در کاه و کلش و (9.68p.p.m) در علوفه مرتعی منطقه خیلی کمتر از حد نرمال ($10-20 \text{p.p.m}$) می باشد. بررسی نتایج آنتاگونیستهای جذب مس در نمونه گیاهی نشان داد که مقدار مولیبدن در گیاهان فوق (21.37p.p.m) در کاه و کلش و (20.66p.p.m) در علوفه مرتعی می باشد که خیلی بیشتر از حد مجاز ($0.1-0.5 \text{p.p.m}$) می باشد و مقدار آهن در گیاهان فوق (463.48p.p.m) می باشد که از حد مطلوب آهن ($50-250 \text{p.p.m}$) بیشتر می باشد. مقدار سرب و گوگرد در گیاهان به ترتیب (0.525p.p.m) و (0.25p.p.m) پائین تر از حد مطلوب ($0.5-3 \text{p.p.m}$) و ($0.15-0.25 \text{p.p.m}$) میباشد بنابراین محدودیت جذب از نظر سرب و گوگرد دیده نمی شود.

در این بررسی معلوم شد که با توجه به در حد نرمال بودن میزان مس در خاک و پائین بودن میزان مس در گیاهان و نمونه های سرم گوسفندی، وجود مقادیر بالای مولیبدن و آهن باعث عدم جذب مس و کمبود آن در گیاهان و سرم گوسفندان منطقه سقز گردیده در نتیجه در منطقه سقز کمبود ثانویه مس مشهودتر از کمبود اولیه می باشد. توصیه می گردد از مکمل های غذایی حاوی عناصر کمیاب استفاده نموده و با اسیدی نمودن خاک یا آب آبیاری و کاهش PH تا محدوده $5/6-5/5$ جذب مولیبدن را به شدت کاهش داده تا جذب مس بهینه گردد.

واژه های کلیدی: عناصر معدنی، کمبود، سرم، خاک، گیاهان مرتعی، گوسفند، سقز، کردستان، ایران